



مشارکت مردم در توسعه شهری پایدار با حکمروایی شایسته

چکیده

افزایش تعداد شهرها و توسعه کالبدی سریع آنها و به تبع آن ازدیاد مسائل و معضلاتی مانند کمبود مسکن و گسترش اسکان غیر رسمی، افزایش نابرابری های اجتماعی، کیفیت پایین خدمات شهری، دسترسی محدود جمعیت و بخصوص اقشار فقیر شهری به تاسیسات زیربنایی شهر و ... توجه جدی به مدیریت شهری را ضروری ساخته و آنرا به یکی از مفاهیم کانونی مطالعات شهری تبدیل کرده است. هدف مقاله حاضر تعیین نقش مشارکت مردم در امور شهری و به دنبال آن ارتقا بخشی شرایط زندگی و افزایش کارایی در سطوح مختلف می باشد. اساس کار به صورت کتابخانه ای، اسنادی و پرسشنامه خواهد بود، بنابر این نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. نتایج تحقیق بیانگر تمایل بالای مردم جهت مشارکت در امور شهری بوده و یافته های مقاله حاکی از تاثیر عملکرد مثبت و موثر مدیریت شهری با افزایش میزان مشارکت مردم است.

واژه های کلیدی : مشارکت، توسعه، مدیریت شهری

People's participation in sustainable urban development with decent rule

Abstract

Increasing number of cities and rapid physical development and therefore increase and expand the issues and problems such as lack of housing, informal settlements, increasing social inequality, poor quality of municipal services, limited access to infrastructure and urban population, especially the urban poor. attention to essential urban management and urban studies has turned it into one of the core concepts. This article aims to determine the role of public participation in municipal affairs, and then upgrade the living conditions and increased levels of efficiency. By working in a library, documents and questionnaires will be, so this kind of research and applied research - descriptive analysis. The results of the people's willingness to participate in civic affairs and research findings indicate a positive performance impact and effectiveness of urban management, public participation is increasing.

Keywords: *Participation, development, urban management*

1- مقدمه

مشارکت مصدر باب مفاعله و عربی است و معنای آن شرکت کردن است. در مورد معنای اصطلاحی مشارکت نظرات مختلفی وجود دارد که در مجموع جوهره اصلی آنرا می توان درگیری، فعالیت و تاثیر پذیری دانست. دایره المعارف شهرسازی، مشارکت عمومی در شهرسازی را اینگونه تعریف نموده است: مشارکت عمومی در شهرسازی ابزاری است که توسط آن اعضای جامعه قادر به شرکت کردن در تدوین سیاستها و طرحهایی می گردند که بر روی محیط زندگی آنها تأثیر می گذارند. مشارکت یعنی دخالت دادن مردم در فرآیند تصمیم گیری و اجرای طرحهای توسعه و سهم نمودن آنها در منافع و مداخله آنها در ارزیابی طرح ها است. در واقع منظور از مشارکت مردم، قدرت تاثیر گذاردن بر تصمیم گیریها و سهم شدن در قدرت است. مشارکت مردم تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه است.

مشارکت به عنوان اساسی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه، به ویژه توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. هر چه توده مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان کسب موفقیت فراهم می شود، افشار پایین و محروم جامعه از نتایج مشارکت و فواید حاصل از توسعه بهره مند می شوند. برنامه ریزی مشارکتی، مجموعه ای از فرایندهایی است که از طریق آن، گروهها و تمایلات متنوع با هم تعامل می کنند تا برای تهیه یک برنامه و نحوه انجام آن به توافق برسند. مشارکت شهروندان اصطلاحی روشن و واضح برای قدرت شهروندان است. توزیع مجدد قدرت است که شهروندانی که در حال حاضر از فرآیندهای سیاسی و اقتصادی حذف شده اند، را قادر می سازد تا به طور سنجیده و آگاهانه در آینده دخالت کنند. بنابراین مشارکت مردم در توسعه شهر پایدار با حکمروایی شایسته در واقع مشارکت مردم در ایجاد، اصلاح و اداره محله و محیط مسکونی خود است و تمایز اصلی آن با سایر انواع مشارکت، ارتباط آن با محیط محلی و شهری است. و تاثیر آن بر شکل گیری مدیریت مطلوب و مورد نظر مردم است.

مردم مهمترین و پویاترین رکن هر جامعه می باشند و می بایست در امور مختلف مدیریت شهری دخالت داده شوند چرا که مشارکت دادن مردم در برنامه ریزی و ارزشیابی و فراهم آوردن بازخورد مناسب، سبب بروز تعهد و خلاقیت بیشتر متولیان امور شهری و جمعیت شهر شده و بسیار مهم می باشد. مشارکت مردم در برنامه ریزی شهری را می توان نگرشی واقع بینانه در برخورد با نارسایی های ناشی از برنامه های به اصطلاح برنامه های از بالا به پایین تلقی کرد. نگرش مشارکتی به دنبال تاکید بر ابعاد اجتماعی در برنامه های توسعه آغاز شده و با اهمیت توجه به پایداری اجتماعی، به عنوان بستر تحقق سایر ابعاد توسعه لحاظ شده است. اهمیت رویکرد مشارکتی در توسعه شهر پایدار به واسطه سهم شدن مردم در قدرت، افزایش سطح آگاهی های عمومی جامعه، ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و تعلق به جامعه، بهبود و کیفیت طرح ها و برنامه ها، پذیرش طرح ها و برنامه ها توسط مردم، عدم تمرکز برنامه ریزی، باز آموزی برنامه ریزان و دستیابی مدیریت خوب و جامع است. امروزه مشارکت مردم در اداره امور، یک موضوع مورد علاقه شده و فراتر از استقلال کارکردی پای نهاده است. در کشورهای در حال توسعه، مشارکت عمومی، به طور گسترده ای به عنوان درگیر شدن در تصمیم سازی، با هدف کارآمدتر کردن انتخاب های انجام گرفته، تفسیر می شود. در ایران، مشارکت مردم به عنوان اساسی ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه، از اهمیت خاصی برخوردار است. هر چه مردم مشارکت بیشتری در امور خود داشته باشند، امکان افزایش موفقیت، بیشتر می شود. مشارکت مردم در توسعه شهر پایدار نیز در نحوه حکمروایی شهری و تهیه انواع طرحهای عمرانی و توسعه ای، سبب بهبود شرایط عمومی و بالا رفتن سطح امید به زندگی جمعیت و ارتقای شرایط محیطی - کالبدی شهر می شود.

2- مبانی نظری

از اوایل دهه 1940 در اروپا نظرخواهی از مردم برای تهیه طرح‌های جامع شهری معمول شد و به این ترتیب پس از تهیه طرح جامع شهری، شهر مربوطه، طرح تهیه شده در یکی از سالن‌های شهرداری یا مدارس بزرگ شهر در معرض نمایش و نظرخواهی قرار داده می‌شد. مردم می‌توانستند نظرات خود را به صورت کتبی به مسئولین امر منعکس نمایند و مسئولین امر در حد مقدمات پس از بررسی اصطلاحات، انتقادات و پیشنهادات مردم، موارد را در طرح منعکس می‌نمودند و در واقع از سطحی از مشارکت تحت عنوان شیوه اطلاعات دهی و مشورت کردن استفاده می‌شد.

از اواخر دهه 1950، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی مطرح شد. مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر و شهرسازی ابتدا در اوایل دهه 1960 در امریکا شکل گرفت، در این دوره قوانین متعددی مبتنی بر مشارکت شهروندان تصویب شد که ماهیت فرایندهای تصمیم‌گیری شهری را تغییر داد. در دهه 1960، دانش و عمل برنامه‌ریزی روز به روز از برنامه‌ریزان متمرکز، دراز مدت، آمرانه و دولتی دور شده و به سمت برنامه‌ریزی کوتاه مدت، تدریجی، دموکراتیک و مشارکتی تمایل یافته است.

در دهه 1970، با رکورد اقتصادی و بحران انرژی در جهان، نخستین هدف توسعه، دستیابی به نیازهای اساسی انسان بود که اهمیت مشارکت مردمی را در همه سطوح از تصمیم‌گیری در تعیین اهداف و تعیین نیازها گرفته تا اجراء نظارت و ارزیابی برنامه‌ها را گوشزد می‌نمود.

در دهه 1980 سرآغاز «عصر مشارکت بخش عمومی - خصوصی» در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری است که از یکسو بیانگر دوری از برنامه‌ریزی متمرکز و آمرانه، و از سوی دیگر، بیانگر جلوگیری از سوء استفاده بازار آزاد توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای است.

آخرین دهه قرن بیستم نیز دهه توسعه انسانی نامیده شده است.

در فرآیند تهیه طرح‌های شهری این دوره، تصمیم‌گیری درباره توسعه و عمران شهر به عهده همه کسانی قرار گرفت که در آن مؤثر بوده و ذینفع هستند مشارکت دادن شهروندان در فرآیند تهیه طرح‌ها بر اساس مبانی نظری قوی عدالت محوری و اصول مردم‌گرایی شکل گرفت، از این رو نهادهای مدنی مانند «اجتماعات محلی» و «نهادهای غیرحکومتی» و تشکلهای حرفه‌ای از تصمیم‌گیران شدند (Urban) و نیز مشارکت مردمی در جوامع نسبتاً مترقی به صورت نظرخواهی از نهادهای غیردولتی و شهروندان

درباره اهداف اصلی طرح، نظرخواهی در مورد مراحل مختلف تهیه، بررسی و اجرای طرح، نظرخواهی در مورد محله‌ای خاص یا موضوع خاص شهری، جلب مشارکت عملی شهروندان (به صورت‌های مشارکت خودانگیخته، مشارکت تعاونی، مشارکت عملکردی یا مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی) مطرح می‌باشد. امروزه رکن اصلی اجرای پروژه توسعه شهری مشارکت همه جانبه یگان‌های سازنده جامعه شهری (افراد و گروه‌های شهری) است.

مردم در جامعه از «مردم» به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود.

3- روش‌شناسی

رویکرد حاکم بر فضای تحقیق حاضر کیفی بوده و نوع تحقیق کاربردی است، زیرا به منظور توسعه دانش کاربردی (دانش مشارکتی در توسعه پایدار) است. نتایج حاصل از مقاله در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها قابل استفاده است. در این مقاله نمونه معادل جامعه آماری است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مطالعات

دقیق کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد و مدارک و مشاهده و پرسشنامه جهت ثبت اطلاعات بوده است که در آن به بررسی وضعیت مشارکت مردم در امور مختلف شهر پرداخته می‌شود.

4- بحث و یافته‌ها

الف) تبیین عوامل اجتماعی / سیاسی مشارکت مردم

اصول نظام مشارکت مردمی شاخصه‌هایی به شرح زیر دارد:

- اصل حاکمیت مردم: تبلور خواست و اراده مردم در جریان امور جامعه، بارزترین و شاخص‌ترین جلوه مشارکت مردم است و تا زمانی که به فرهنگ تبدیل نشود، ماندگار نخواهد شد. با توجه به اینکه در ایران با اینکه اقدام برای مشارکتی نمودن شهرسازی از سال 1378 و با انتخابات شوراها مطرح شده و قدم‌های اولیه و اصلی برداشته شده است ولی تاثیر شهروندان در اداره امور شهر و تاثیرگذاری مثبت در انجام و نظارت بر طرح‌های شهرسازی ناچیز بوده است.

- اصل برابری انسانها: در جوامع مشارکتی همه شهروندان دارای حقوق، کرامت و احترام هستند و هیچ‌کس بر دیگری برتری و امتیاز ندارد. در قانون اساسی کشور ایران، همه انسانها اعم از هر قوم، ملت، نژاد، دین، مذهب، زبان و جنسیت و ... دارای حقوق مساوی انسانی هستند.

- اصل حاکمیت رای اکثریت: رای و نظر اکثریت در هر موضوع، مناقشه و جدال اجتماعی و عمومی در امور شهر مشروعیت و مقبولیت دارد و فصل الخطاب اختلافات است. در این مقوله انتخاب اعضای شورای شهر به طور مستقیم توسط مردم و انتخاب شهردار شهر توسط اکثریت اعضای شهر تبلور حاکمیت رای مردم در مدیریت امور شهری است.

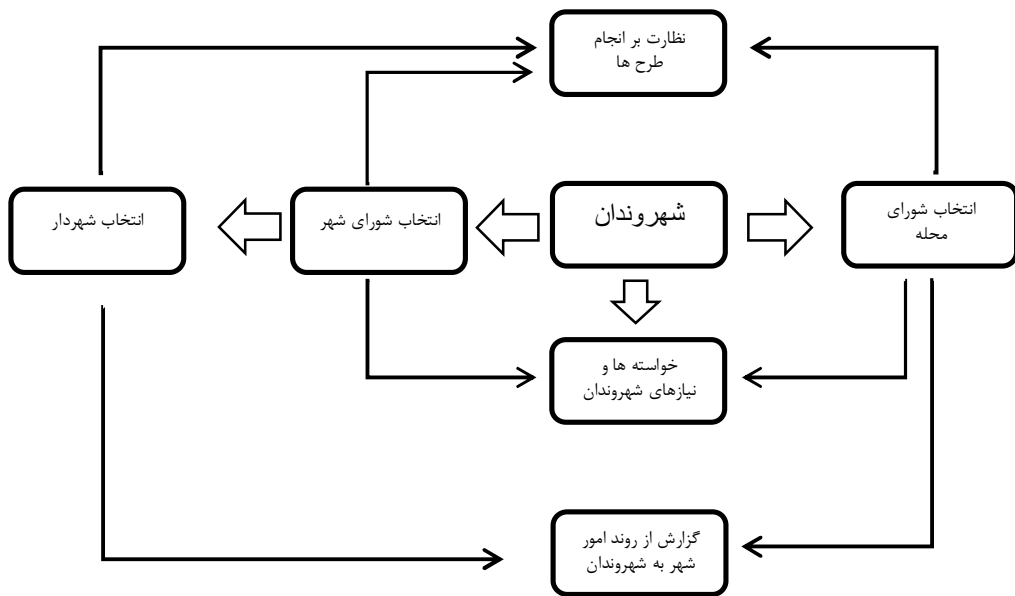
- اصل تناوب قدرت: هر حزب، گروه یا شخصی که بتواند اعتماد و رای مردم را در امور شهر در انتخابات شوراها را جلب کند، باید و می‌تواند از اختیارات محوله از سوی مردم برخوردار شود و مسئولیت‌های واگذار شده از سوی مردم را بر عهده گیرد. در جوامع مشارکتی باید مردم به صورت آزاد و دموکراتیک بتوانند حق حاکمیت خود را واگذار و به راحتی پس بگیرند. مردم به عنوان رکن اصلی تفویض قدرت و نیز پس‌گیری آن از اعضای شورا در ایران بوده و هر وقت که این استنباط مثبت از اعضای شورا را نداشته باشند دل در گرو مدیریت گروه یا اعضای دیگر داده و با تغییر نوع انتخاب خود، اصل تناوب قدرت را ایفا می‌کنند.

- اصل حاکمیت قانون و نظارت مردم: در یک جامعه مشارکت جو، همه افراد باید تحت نظر قانون و زیر نظارت دستگاهها و نهادهای نظارتی مردم، مسئولیت‌ها را انجام دهند و در همه موارد پاسخگو باشند. هیچ‌کس فوق قانون و فراتر از سطح نظارت مردم نیست. چرا که برنامه ریزی مناسب و پایدار با بهره‌گیری از مشارکت واقعی مردم و با افزایش تعاملات مردم میسر است.

ب) تبیین عوامل ساختاری مشارکت مردم

شهروندان در بتن و هسته تمام تصمیمات اتخاذی برای امور شهری قرار دارند، چرا که این مردم هستند که با انتخاب اعضای شورای شهر و نیز بعضا شوراهای محله‌ای نقش اساسی در تبیین و شکل‌گیری اصول اولیه شهرسازی مشارکتی در ایران را داشته

و اعضای شورا نیز با انتخاب شهردار به عنوان اجرا کننده خواسته های مردم و نظرات شورای شهر در چارچوب قوانین و مقررات کشور عمل می نماید.



نمودار 1 ساختار مدیریت شهری مشارکتی (ماخذ نگارنده).

با توجه به نمودار ساختار مدیریت شهری مشارکتی، ملاحظه می گردد که مردم به عنوان هسته اصلی تشکیل آن، تصمیم گیرنده اولیه مدیریت امور شهری و از پایین به بالا می باشد و بیانگر حکمروایی شایسته امور شهری است. با توجه به اینکه این چرخه در شهرهای کشور در حال انجام بوده و به مرور نیز کامل تر می گردد به گونه ای است که خواسته های مردم از متولیان امور شهری از طریق اعضای شورای شهر عنوان و اعضای شورا نیز به جهت واقف بودن از اهمیت مردم و تجلی رای آنها در انتخاب، سعی در انعکاس نظر و خواسته به حق مردم از مدیریت شهری دارند.

ب) تبیین عوامل کارکردی مشارکت مردم

این الزامات عبارتند از: عوامل مؤثر بر مشارکت شهری، الگوهای سازمانی مشارکت شهری، الگوهای زمینه ای مشارکت شهری، الگوهای بخشی مشارکت شهری که به طور مختصر این الزامات را بررسی می کنیم

- عوامل مؤثر بر مشارکت شهری

مشارکت شهری متأثر از عوامل گوناگونی است که باید در اتخاذ رویکرد مشارکتی شهری و برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار گیرد. از جمله این عوامل می توان به نیت و قصد مشارکت کنندگان، انگیزه آنان از مشارکت شهری، انتظارات مشارکت

کنندگان از نتایج و پاداش‌های مشارکت و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت شهری اشاره کرد. مجموعه این عوامل - و سایر عوامل دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد بر شکل گرفتن مشارکت شهری و ماهیت مشارکت شهری مؤثرند.

- الگوهای سازمانی مشارکت شهری

اگر چه طیف وسیعی از الگوهای سازمانی برای مشارکت شهری متصور است، با وجود این ماهیتاً می‌توان قائل به دو گونه الگوی سازمانی مشارکت شهری شد: الگوی سازمانی مشارکت شهری خودجوش؛ و الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته، به نظر می‌رسد در پروژه توسعه شهری و برای نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) دادن وزن بیشتر به الگوی سازمانی مشارکت شهری سازمان یافته (رسمی، برنامه‌ریزی شده و نهادی) اهمیت بیشتری دارد. دلیل اصلی این است که مشارکت خودجوش، داوطلبانه و سازمان نیافته هنگامی شکل می‌گیرد که «فرهنگ مشارکتی»¹ قوی شکل گرفته باشد و مشارکت توانسته باشد تبدیل به «هنجار فرهنگی» شده باشند. از آنجا که در جامعه شهری جهان سوم، به ویژه بخش توسعه نیافته آن، فرهنگ مشارکتی شهری و هنجارهای فرهنگی شهری مربوط به مشارکت هنوز به طور شایسته شکل نگرفته است، نقش الگوی سازمانی مشارکت شهری رسمی و سازمان یافته اهمیت بیشتر دارد.

- الگوهای زمینه‌ای مشارکت شهری

زمینه‌های مشارکت شهری شامل امور ایمنی، امور امنیتی، امور ورزشی، امور فرهنگی، امور رفاهی، امور اقتصادی، امور گردشگری، امور آموزشی، امور شهرسازی و نظایر آن است.

- الگوهای بخش مشارکت شهری

الگوهای بخش مشارکت شهری شامل مشارکت در سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی شهری، تصمیم‌گیری شهری، نظارت بر برنامه‌ها و طرح‌های شهری، ارزیابی نتایج فعالیت‌های شهری، تأمین مالی هزینه‌های شهری و مشارکت در تأمین نیروی انسانی لازم برای اجرای پروژه توسعه شهری است.

ت - شهرسازی مشارکتی و مشکلات آن

شهرها و مناطق شهری، سیستم‌های کالبدی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده و پویایی هستند که کنترل و هدایت برنامه‌ریزی شده آنها با دشواری‌های بسیاری روبرو است. با وجود این پیچیدگی‌ها، تفکر شکل‌گیری مشارکت شهروندان در امور مختلف بسیار پایین است (عمدتاً در کشورهای جنوب). فرایند شهرسازی مشارکتی قبل از هر موضوعی یک بستر فرهنگی نیاز دارد و هر فکر اصیل و پدیده مترقی تا زمانی که در قالب یک فرهنگ در نیاید، تحقق پیدا نمی‌کند. انسانها زمانی به خود بیشتر اعتماد می‌کنند که در فرایند تصمیم‌گیری در مورد محل زندگی خود مشارکت پیدا کنند. عدم تحقق مطلوب مشارکت در شهرسازی عمدتاً معلول عوامل زیر است:

¹. Participatory Culture

². Cultural Norm

نبود وفاق نظری و نوعی اشتراک در تبیین مفهوم مشارکت به ویژه در شهرسازی مشارکتی، حذف موانع عملی یا ساختاری مانند مدیریت یا فرهنگ، اعمال قدرت، تمرکز در تصمیم گیری، تشکیلات غیر فعال، موانع نگرشی مانند عدم تبیین دقیق انتظارات از رویکرد مشارکت در شهرسازی و تنوع تخصص ها و مهارت در یک گروه کاری دانست.

مهمترین عنصر محوری در مشارکت گریزی یا مشارکت پذیری مردم در شهرسازی مشارکتی، اعتماد است. اعتماد متقابل حکومت و مردم را می توان محور و مدار مشارکت دانست.

ث - پیش شرط های اصلی تحقق مشارکت شهری

یکی از مهم ترین الزامات مشارکت شهری وجود پیش شرط های لازم برای تحقق مشارکت شهری است، مهم ترین این پیش شرط ها عبارتند از:

- وجود فرهنگ مشارکت شهری (که از طریق آموزش و ترویج فرهنگی انجام می شود).

- فراهم شدن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی شهری مناسب و متناسب با مشارکت شهری در سطوح محلی (شهری و روستایی) منطقه ای (استانی) و ملی (که از طریق انجام اصلاحات ساختاری ملی صورت می گیرد)

- وجود نظام مدیریت شهری (شهرداری ها و شوراهای شهر) «مشارکت خواه، مشارکت جو، و مشارکت گستر»

به عنوان یک نمونه برجسته از تجربیات جهانی برای تحقق پیش شرط های مشارکت شهری می توان به تشکیل شوراهای شهر، استقلال حکومت های محلی از حکومت های فدرال، انتخاب شهردار از سوی شهروندان و برگزاری انتخابات شهری گوناگون برای نظرخواهی از شهروندان اشاره کرد

5- نتیجه گیری و پیشنهادها

لزوم بازگرداندن آرامش به شهروندان در محیط مدیریتی متحول شهرهای امروزی ایران، با رویکرد پویاسازی شهر و کاستن از میزان نارضایتی شهروندان در برابر شهرداری و تقویت روحیه مشارکتی به شهروندان با ایجاد رویکرد مثبت به جمعیت و متولیان امور شهری در ظهور و تبلور مشارکت مردم در توسعه شهری پایدار در شهرهای ایران بسیار حائز اهمیت است. عوامل مؤثر بر ظهور و گسترش ایده مناسب مشارکت مردم در شهر عبارتند از:

الف) اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور جامعه و پیدایش و گسترش نظام های سیاسی و اجتماعی مردم سالار.

ب) تجربه اندوزی از روندهای توسعه در دهه های گذشته بیانگر این حقیقت اند که عدم مشارکت مردم در فرایند توسعه سبب وارد آمدن زیان های فراوان شده است.

پ) عدم تطابق طرح ها و برنامه های شهرسازی با نیازها و خواسته های مردم و بروز نارضایتی ها و واکنش های منفی نسبت به این طرح ها از سوی مردم طی دهه های گذشته

ت) عدم توانایی مالی دولت‌ها برای تأمین مالی طرح‌های شهرسازی

ث) توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اغلب مطالعات نشان می‌دهد که وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتر به طور مستقیم با مشارکت گسترده‌تر شهروندان همراه است.

ج) احساس تهدید منافع در شهروندان «بسیاری از شهروندان دریافته‌اند که منافع خاص آنها به طور مستقیم مورد تهدید واقع شده است و این احساس خطر سبب عمل دسته جمعی و گروهی شهروندان گردیده است»

چ) پیچیدگی فزاینده زندگی شهری، اساسی‌ترین محرکه مشارکت عمومی، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری است.

ح) جلوگیری از وابستگی جامعه به دولت، جلوگیری از ایجاد حالت وابستگی مردم به دولت و تهیه برنامه‌هایی که ظرفیت و توان مردم را برای خودکفایی زیاد کند، غالباً انگیزه‌ای برای تقویت مشارکت مردمی بوده است.

خ) عدم تداوم فعالیت‌های توسعه و عمران به علت عدم حفظ و نگهداری از طرح‌ها و پروژه‌ها به وسیله مردم که خود ناشی از احساس بیگانگی آنان با طرح‌ها بوده است.

د) اخلاق اجتماعی برنامه‌ریزی «سنت قومی، تعهد اجتماعی و ایده‌آل‌گرایی ذاتی برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزان و اولیای امور برنامه‌ریزی را نسبت به هر گونه فکر مشارکت عمومی بسیار دلسوز ساخته و آن را بطور آشکاری ارتقا بخشیده است» (احمدی، بی‌تا، 45-46).

پیشنهاد‌های اصولی و مناسب برای شکل‌گیری اعتقاد فراگیر به این که سوای فرصت‌گاه به گاه برای رای دادن، شهروندان باید اجازه داشته باشند تا در تصمیماتی که بر آنها تاثیر دارند، مشارکت ورزند. حضور شهروندان در عرصه تصمیم‌گیری و نزدیکی و هماهنگی آنان با مسئولان و متخصصان، و دستیابی هر چه سریعتر به خواسته‌ها و نیازهایشان مطابق با شرایط زندگی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی، از طریق فرآیند شهرسازی مشارکتی و مردمی میسر می‌شود. این فرآیند باید دارای ویژگی‌های چندی باشد از جمله:

- دخالت دادن انگیزه و نظر مردم و توجه به خواست و نقش آنها.

- دخالت دادن دیدگاه‌ها، آگاهی‌ها و اطلاعات محلی.

- آگاهی از منابع محلی و سایر منابع پشتیبانی کننده

- بررسی امکان تطابق برنامه‌ها و طرح‌ها با شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم.

- توجه به شرایط اقتصادی در توسعه‌های شهری، با در نظر گرفتن توانایی‌های مردم

- ارتباط مستقیم متخصصان و مسئولان با نمایندگان مردم (شوراها) و خود آنها

- گسترش دادن آگاهی‌ها در میان مردم در سطوح مختلف، از طریق راه‌هایی چون آموزش عملی عمومی و یا آموزش در مدارس.

- ایجاد زبان مشترک جدید در شهرسازی، به منظور دعوت و هدایت مردم به شرکت فعال در روند برنامه‌ریزی، طراحی و ساخت و ساز.

- ایجاد تسهیلات لازم برای دسترسی مردم به وسایل تولید و مصالح محلی

- ایجاد ارتباط هماهنگ بین امور تحقیقاتی و اجرایی

- برقراری رابطه و اعتماد متقابل بین متخصصان و مردم

نهایتاً اصلاح شیوه نحوه انتخاب اعضای شورای شهر در شهرهای ایران جهت نیل به حکمروایی شایسته بسیار حائز اهمیت می باشد چرا که در وضعیت موجود مدیریتی شهرهای ایران، اعضای شورا با رای یکجای شهروندان انتخاب می شوند، در حالی که ممکن است خیلی از نواحی و بخش های شهر فاقد نماینده در شورای شهر باشند.

